

Papillon: A Narrative of Human Resistance Against Gross Violations of Human Rights in the French Penal Colonies

Sima Hatami

Postdoctoral; PhD, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of
Tehran, Tehran, Iran. sima.hatami@ut.ac.ir

Abstract

The interconnection between literature and human rights—grounded in a humanistic perspective and in the intrinsic value of the human being as such—has deep and enduring roots. *Papillon*, the celebrated novel by Henri Charrière, is not merely an adventurous tale of repeated escapes; it constitutes a powerful testament to grave and systematic violations of human rights within the French penal colonies of Guiana in the early twentieth century. Through a meticulous analysis of the experiences and observations of the protagonist, Papillon, this article examines multiple instances of violations of fundamental rights, including the right to life, the prohibition of torture and cruel punishments, the right to liberty and personal security, the prohibition of slavery and forced labour, and the right to a fair trial. The novel vividly portrays inhumane living conditions, malnutrition, disease, relentless violence, and pervasive deprivations—conditions that trampled upon the inherent dignity of individuals. Simultaneously, this study highlights Papillon’s unyielding resistance and indomitable will, presenting him as both a central character and a symbolic embodiment of the human spirit’s struggle to preserve dignity and attain freedom. His actions are interpreted as an instinctive response to the systematic denial of fundamental rights. Ultimately, by juxtaposing these events with modern human rights standards—such as those reflected in the Universal Declaration of Human Rights—the article demonstrates that *Papillon* is not merely a historical narrative but a perpetual reminder of the imperative to safeguard human rights, as well as a warning against systems that shackle humanity and subject human dignity to mockery and contempt. May human beings honor the humanity of one another, and refrain from cruelty toward their fellow human beings.

Keywords: human rights, French colonies, criminal justice system, rights of the accused, fair trial, Papillon novel.

Cite this article: Hatami, S. (2025). Papillon: A Narrative of Human Resistance Against Gross Violations of Human Rights in the French Penal Colonies. *Journal of Philosophy of Law*, 4(2), p. 111-126.
<https://doi.org/10.22081/phlq.2025.72070.1129>

Received: 2025-06-04 ; **Revised:** 2025-08-18 ; **Accepted:** 2025-09-20 ; **Published online:** 2025-12-24

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



پایون: روایتی از مقاومت انسانی در برابر نقض فاحش حقوق بشر در مستعمرات کیفری فرانسه

سیما حاتمی

پسا دکتری؛ دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. sima.hatami@ut.ac.ir

چکیده

پیوند ادبیات با حقوق بشر با تأکید بر دیدگاه اومانستی و اهمیت انسان به ماهو انسان دارای ریشه عمیق است. رمان «پایون» اثر هانری شاریر، نه تنها یک داستان ماجراجویانه از فرارهای پی در پی است، بلکه سندی قدرتمند از نقض فاحش و نظام مند حقوق بشر در مستعمرات کیفری گویان فرانسه در اوایل قرن بیستم به شمار می‌رود. این مقاله با تحلیل دقیق تجربیات و مشاهدات شخصیت اصلی رمان یعنی پایون، به بررسی موارد متعدد نقض حقوق اساسی از جمله حق حیات، منع شکنجه و مجازات‌های ظالمانه، حق آزادی و امنیت شخصی، منع بردگی و کار اجباری، و حق برخورداری از دادرسی عادلانه می‌پردازد. این رمان به وضوح شرایط غیرانسانی زندگی، سوء تغذیه، بیماری، خشونت بی‌امان و محرومیت‌های گسترده‌ای را به تصویر می‌کشد که کرامت ذاتی انسان‌ها را زیر پا می‌گذاشت. همزمان، این پژوهش بر مقاومت بی‌وقفه و اراده تسلیم‌ناپذیر «پایون» به عنوان شخصیت اصلی و نمادی از روح بشر برای حفظ کرامت انسانی و دستیابی به آزادی تأکید می‌کند و اقدامات او را به مثابه پاسخی ذاتی به سلب حقوق بنیادین تفسیر می‌نماید. در نهایت، با مقایسه این وقایع با استانداردهای حقوق بشر مدرن (مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر)، نشان می‌دهد که «پایون» نه تنها یک حکایت تاریخی، بلکه یادآوری دائمی از ضرورت پاسداری از حقوق بشر و هشدار علیه سیستم‌هایی است که انسانیت را به بند می‌کشند و کرامت ذاتی انسان را به باد استهزاء و سخره می‌گیرند. باشد که انسان به انسانیت بشر احترام گذارد و از سخی بودن نسبت به هم‌نوع بپرهیزد.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، مستعمرات فرانسه، نظام حقوق کیفری، حق متهم، دادرسی عادلانه، رمان «پایون».

استاد به این مقاله: حاتمی، سیما (۱۴۰۴). پایون: روایتی از مقاومت انسانی در برابر نقض فاحش حقوق بشر در مستعمرات کیفری فرانسه. *فلسفه حقوق*، (۲)۴، ص ۱۱۱-۱۲۶. <https://doi.org/10.22081/phlq.2025.72070.1129>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳
© ۱۴۰۴ / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. نوع مقاله: پژوهشی. ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)



۱. مقدمه

رمان «پاپیون»^۱ نوشته پرفروش و بحث‌برانگیز هانری شاریر^۲، نه تنها به خاطر ماجراجویی‌های هیجان‌انگیز و فرارهای بی‌نظیر شخصیت اصلی‌اش شهرت جهانی یافته، بلکه به دلیل تصویرسازی بی‌رحمانه و بی‌پرده از نظام مستعمرات کیفری فرانسه در اوایل قرن بیستم، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات و مباحث اجتماعی دارد. این اثر، که شاریر ادعا می‌کند براساس تجربیات واقعی خود در گویان فرانسه نگاشته شده، خواننده را به اعماق جهنمی از بی‌عدالتی، ستم و مبارزه بی‌وقفه برای بقاء و آزادی می‌کشاند. «پاپیون» فراتر از یک قصه صرفاً ماجراجویانه است؛ و به شهادتی قدرتمند از سرکوب نظام‌مند روح انسانی و مقاومت بی‌بدیل در برابر شدیدترین اشکال نقض حقوق بنیادین تبدیل شده است. تلاش برای آزادی و بقای انسان در میان هم‌نوعانی که کرامت انسانی را فراموش کرده و رحم و مروت را از روی زندگانی خود پاک نموده‌اند. قوانین وضعی به دست بشر بدون رنگ و بوی حقوق طبیعی و قانون طبیعی، به اطاعتی بی‌چون و چرا از قانونی ناعادلانه بدل گردید^۳ (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۲۱). در سطح گسترده‌تر، مفهوم حقوق بشر به مجموعه‌ای از حقوق ذاتی و جهان‌شمول اطلاق می‌شود که به هر فردی تنها به دلیل انسان بودن و انسان به‌ماهو انسان بودن تعلق می‌گیرد، بدون هیچ تمایز یا تبعیضی. این حقوق، که ریشه در کرامت ذاتی انسان دارند، شامل حق حیات، آزادی، امنیت شخصی، و رهایی از شکنجه و بردگی می‌شوند. اگرچه رمان «پاپیون» به دوره‌ای پیش از تدوین و پذیرش گسترده اسناد مدرن حقوق بشر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) بازمی‌گردد، اما وقایع و تجربیات توصیف‌شده در آن به طور عمیقی با مفاهیم و اصول این حقوق‌گروه خورده است. تجربیات تلخ پاپیون و هم‌بندانش در زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری گویان فرانسه، نمونه‌های زنده‌ای از نقض آشکار و هدفمند حقوق بشر بر همین اصول بنیادی در یک سیستم قضایی و تنبیهی فاقد نظارت و انسانیت هستند. هدف اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل عمیق موارد نقض حقوق بشر در رمان «پاپیون» است. ما این رمان را به عنوان یک

1. Papillon

2. Henri Charriere he was a French writer, convicted of murder in 1931 by the French courts and pardoned in 1970. He wrote the 1969 novel Papillon, a memoir of his incarceration in and escape from a penal colony in French Guiana.

۳. ... من پاپیون هستم که تو آنقدر به آسانی به حبس ابد محکوم کردی و به زندان مستعمرات فرستادی. تو خیال می‌کنی به زحمتش می‌ارزید که طی آن همه سال‌ها برای اینکه مرد برجسته و تحصیلکرده‌ای بشوی، شباهت را روی قانون صرف کردی، زبان لاتین و یونانی یاد بگیری و سال‌های جوانیت را صرف آن کنی که ناطق زبردستی از کار درآیی، می‌خواستی به چه چیزی دستیابی بی‌شعور؟ می‌خواستی قانونی جدید و اجتماعی وضع کنی، یا به مردم بفهمانی که صلح و آرامش بهترین چیزها در دنیا است؟ یا اینکه فلسفه و مذهب کامل‌تری را تبلیغ کنی؟ یا خیلی ساده فقط می‌خواستی با تحصیلات دانشگاهی‌ات بر دیگران نفوذ کنی، تا آنها بهتر و خوب‌تر شوند و از بدی بپرهیزند. بگو از علم و دانش برای نجات مردم سود جستی، یا برای غرقه کردنشان؟ (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۱۷-۲۲).

مطالعه موردی برای درک ابعاد مختلف ظلم و ستمی که بر زندانیان سیستم مستعمراتی فرانسه اعمال می‌شد، به کار خواهیم گرفت. این تحلیل نه تنها به توصیف شرایط غیرانسانی می‌پردازد، بلکه نشان خواهد داد که چگونه مبارزه بی‌وقفه پایون برای آزادی و بقاء، در واقع نمادی از مقاومت انسانی در برابر سلب کرامت و حقوق بنیادی است. جد و جهدی بدون ناامیدی که البته در فضایی پر از خفقان و نومیدی، نشان از آرزوی دیرینه بشر در کسب آزادی است. با بررسی دقیق چگونگی نقض حق حیات، آزادی، امنیت، دادرسی عادلانه و کرامت انسانی، این مقاله به تبیین وجوه انسانی و اخلاقی داستان خواهد پرداخت. در نهایت، با مقایسه این وقایع با استانداردهای حقوق بشر امروزی، به این پرسش خواهیم پرداخت که چه درس‌هایی می‌توانیم از «پایون» برای محافظت از حقوق بشر در زمان حال بیاموزیم و چگونه داستان‌های شخصی در ادبیات مدرن می‌توانند به یادآوری دائمی از اهمیت آزادی و عدالت تبدیل شوند. جانسون ادعا می‌کند که داستان‌ها روایت هرچه واقعی‌تر واقعیت‌اند که بدون تردید واقعیت را بهتر و بیشتر، حقیقی نشان می‌دهند (اولیایی نیا، ۱۳۷۹). نگرش بدبینانه جهان، جایگزین نگاه خوش‌بینانه عصر ویکتوریا در مدرنیسم شد. آنان چشم‌اندازی را تصویر می‌کردند که تیره و ویران بود و امیدی برای بهبود در پیش روی آن نیست (اولیایی نیا، ۱۳۸۹؛ اولیایی نیا، ۱۳۸۴، ص ۳۶-۵۰).

۲. پس‌زمینه تاریخی و حقوقی: سیستم مستعمرات کیفری فرانسه و حقوق بشر

برای درک عمق فاجعه‌ای که در رمان «پایون» روایت می‌شود، ضروری است که با بستر تاریخی و وضعیت حقوقی حاکم بر مستعمرات کیفری فرانسه در اوایل قرن بیستم آشنا شویم. این شناخت، زمینه‌ای محکم برای تحلیل نقض حقوق بشر در داستان فراهم می‌آورد.

۲-۱. ماهیت و اهداف مستعمرات کیفری فرانسه

گویان فرانسه، با آب و هوای استوایی، جنگل‌های انبوه، باتلاق‌ها و بیماری‌های بومی فراوان، به مکانی ایده‌آل برای این منظور تبدیل شد. هدف نه تنها تنبیه و رهایی از شر مجرمان بود، بلکه استفاده از نیروی کار ارزان و اجبار آن‌ها برای توسعه زیرساخت‌های استعماری، از جمله جاده‌سازی، کشاورزی و استخراج معادن نیز مطرح بود. مکان‌هایی مانند کاین^۱ به عنوان مرکز اداری و به ویژه «جزیره شیطان»^۲ که نماد انزوای مطلق و جهنمی بر روی زمین بود، شهرت جهانی یافتند. شرایط زندگی در این مستعمرات برای زندانیان، مصداق بارز مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی بود؛ از بیماری‌های گرمسیری (مالاریا، دیسنتری)، سوء تغذیه شدید، کار طاقت‌فرسا، تا خشونت بی‌امان نگهبانان و حتی سایر زندانیان که برای بقاء به خشونت روی می‌آوردند (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۳۱-۳۳). نرخ مرگ و میر در این مکان‌ها به طرز

1. Cayenne

2. Devil's Island

هولناکی بالا بود و بسیاری از تبعیدشدگان هرگز به وطن بازنگشتند، که خود به هدف «خلاص شدن» از آن‌ها کمک می‌کرد. فرانسه از قرن‌ها پیش با رویکردهای مختلف درباره زندانیان، به مهد ظلم مجرمان بدل گشته بود. از حقایق ویکتور هوگو درباره تاتوی زندانیان و گردآوری آنها در زندان و نشان دادن نمادهای روی بدن آنها، همگی حاکی از نظام طرد مجرمان در سیستم کیفر فرانسه بوده است (نجابتی، ۱۳۹۱). فرانسه به عنوان مهد دموکراسی، بی‌شک با فجایع و رخدادها در عالم واقع، متناقض است. ادوارد سعید به خوبی تناقض‌ها را به تصویر می‌کشد: «بسیاری از انسان‌دوستان حرفه‌ای در نهایت نمی‌توانند میان اعمال شرارت‌آمیزی چون بردگی، استعمار، ستمگری‌های نژادی و سلطه‌های امپراتوری از یک‌سو و شعر، داستان و فلسفه آن اجتماعاتی که دست به چنین اقدام‌هایی می‌زنند، ارتباطی یابند» (سعید، ۱۳۸۲، ص ۱۸).

۲-۲. حقوق زندانیان در تئوری و عمل

در سیستم مستعمرات کیفری فرانسه، مفهوم «حقوق زندانیان» تقریباً بی‌معنا^۱ بود. در تئوری، ممکن بود قوانینی برای اداره زندان‌ها و رفتار با زندانیان وجود داشته باشد، اما در عمل، این قوانین به ندرت رعایت می‌شدند و زندانیان تقریباً فاقد هرگونه حق قانونی یا مکانیزم مؤثر برای احقاق حق خود بودند. از جمله بارزترین نقض‌ها می‌توان به فقدان دادرسی عادلانه اشاره کرد، جایی که افراد اغلب بدون شواهد کافی یا با محاکماتی ناعادلانه محکوم می‌شدند. زندانیان از حق داشتن وکیل مناسب یا امکان تجدیدنظر مؤثر محروم بودند. همچنین، اجبار به کار بدون مزد و در شرایط غیرانسانی (بردگی عملی^۲)، محرومیت از مراقبت‌های بهداشتی و غذای کافی، و عدم امکان تماس با خانواده یا وکیل، نمونه‌هایی از نقض حقوق بنیادین آن‌ها بود. فراتر از این، بسیاری از زندانیان پس از پایان دوران محکومیت خود نیز حق بازگشت به فرانسه را نداشتند و مجبور بودند بقیه عمر خود را در گویان سپری کنند، که به معنای «تبعید مضاعف» و نقض آشکار حق آزادی تردد بود. رمان «پایون» به روشنی نشان می‌دهد که در این سیستم، زندانیان نه به عنوان انسان‌های دارای کرامت ذاتی، بلکه صرفاً به عنوان ابزاری برای کار یا باری بردوش جامعه دیده می‌شدند که باید از بین می‌رفتند یا به حاشیه رانده می‌شدند، و هیچ نهاد یا سازمانی برای دفاع از حقوق آن‌ها وجود نداشت. گرچه اعلامیه حقوق شهروندی در فرانسه و مفاهیم مندرج در اعلامیه مزبور برگرفته از اصول فلسفی و سیاسی عصر روشنگری، چون فردگرایی، قرارداد اجتماعی و تفکیک قوا بود. توماس جفرسون^۳ نویسنده اولیه اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ میلادی در آن زمان در فرانسه به عنوان دیپلمات حضور داشت و با اعضای مجلس موسسان در خصوص اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه

1. senseless

2. Practical servitude

3. Thomas Jefferson

مکاتبه می‌کرد. تا جایی که بسیاری از موارد مندرج در اعلامیه فرانسه ملهم از اعلامیه استقلال آمریکا است. اعلامیه، حقوق فردی و جمعی برای تمام انسان‌ها در نظر می‌گیرد. تحت تاثیر دکتترین حقوق طبیعی این حقوق جهانی و در تمام زمان‌ها و مکان‌ها معتبر است. انسان، آزاد متولد می‌شود و در طول زندگی و حیات و ممات خود، آزاد و از حقوق برابر برخوردار است. اعلامیه مانند اعلامیه حقوق آمریکا براساس تئوری حقوق طبیعی مالکیت، آزادی و حیات است. مطابق با این تئوری، نقش دولت محدود به شناخت و تضمین این حقوق است. همچنین دولت باید توسط نمایندگان منتخب مردم اداره شود. در زمان نوشتن حقوق مندرج در اعلامیه فرانسه، یک بیانیه رؤیایی به جای بیانیه‌ای واقعی بود. اعلامیه به طور عمیق ریشه در اعمال غرب یا حتی فرانسه آن زمان نداشت، بلکه تصویری آرمانی بود که از فرد در برابر پادشاهان در قالب حقوق حمایت می‌نمود. از طرفی اعلامیه با مخالفت مخالفان دموکراسی و حقوق فردی، که به عنوان طرفداران آنارشی و خرابکاری شناخته می‌شدند، روبرو بود. اما ریشه همین اعلامیه‌ها نیز در سیستم کیفر فرانسه تاثیری نداشت و ظلم و ستم بر آن بیداد می‌کرد (برونوفسکی، ۱۴۰۳).

۳. نقض حقوق بشر در مستعمرات کیفری: بررسی موردی از پایون

گرچه هدف استعمار فرانسه برای سامان‌دهی و تدوین نظام حقوقی در کشورهای مستعمره، حفاظت از اتباع فرانسوی در این قبیل کشورها بود (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۵۵)، اما فرانسه در مستعمرات خود به دنبال نیروی فرانسوی بود تا اقتدار فرانسه را در آنجا برپا دارد. عموماً نیروهای کار ارزان همان زندانیانی بودند که بعد از گذشت حبس و ندامت به عنوان ساکنان مستعمرات تعیین می‌شدند که علاوه بر طرد مجرمان، از جمعیت آنها که فرانسوی بودند، برای گسترش و سلطه بر قلمروهای استعمار هم بی‌بهره نباشند. این بخش به تفصیل، با مثال‌های مشخص از رمان، نشان می‌دهد که چگونه حقوق بشر در مستعمرات کیفری نقض می‌شد. تمرکز بر روی تجربه‌های پایون و دیگر زندانیان است.

۳-۱. حق حیات و منع شکنجه و مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی

حق حیات بنیادی‌ترین حق بشر است، اما در مستعمرات کیفری گویان فرانسه، این حق به طور سیستماتیک نادیده گرفته می‌شد. رمان «پایون» به وضوح نشان می‌دهد که چگونه شرایط زندگی، فقدان بهداشت و درمان، و خشونت بی‌امان، منجر به مرگ و میر گسترده می‌شد و زندگی زندانیان ارزشی نداشت. شکنجه‌های فیزیکی و روانی نیز ابزارهایی رایج برای درهم شکستن اراده زندانیان و سلب کرامت آن‌ها بودند.

♦ شرایط غیرانسانی زندگی و سوء تغذیه: زندانیان به صورت عمدی در شرایطی قرار می‌گرفتند که بقاء تقریباً غیرممکن بود. تغذیه ناکافی و بی کیفیت یکی از ابزارهای اصلی شکنجه و تضعیف آن‌ها بود.

بدن‌های تحلیل‌رفته و بیمار در رمان به کزات توصیف می‌شوند که نتیجه جیره‌های غذایی بسیار کم و اغلب فاسد بود. این شرایط فیزیکی، توانایی آن‌ها را برای مقاومت یا حتی فکر کردن به فرار از بین می‌برد (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۶۲). این موارد نقض آشکار ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (حق برخورداری از سطح زندگی کافی برای سلامتی و رفاه) و ماده ۳ (حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی) آن است.

♦ **محرومیت از بهداشت و درمان:** فقدان امکانات پزشکی ابتدایی، کمبود دارو، و عدم رسیدگی به بیماری‌های شایع گرمسیری مانند مالاریا، دیسنتری و سل، به مرگ‌های بی‌شماری می‌انجامید. زندان‌ها محیط‌هایی فاقد هرگونه استاندارد بهداشتی بودند که به شیوع سریع بیماری‌ها دامن می‌زد. مراقبت‌های پزشکی تنها در موارد بسیار وخیم و اغلب بی‌اثر ارائه می‌شد (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۶۳). این وضعیت نقض حق سلامتی و ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (منع مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز) است.

♦ **سلول‌های انفرادی^۱ به عنوان شکنجه روانی و فیزیکی:** حبس انفرادی طولانی مدت در سلول‌های تاریک، تنگ و کوچک، نه تنها شکنجه‌ای فیزیکی بود، بلکه هدف اصلی آن درهم شکستن اراده و سلامت روانی زندانیان بود. پایون خود تجربیات سختی از این نوع حبس را به اشتراک می‌گذارد، جایی که گذر زمان مبهم می‌شود و مرز بین واقعیت و وهم از بین می‌رود (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۲۲۶). این شیوه مجازات نمونه بارزی از شکنجه روانی و مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی بوده که مستقیماً مغایر با ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون منع شکنجه است.

۳-۲. حق آزادی و امنیت شخصی و منع بردگی و کار اجباری

هدف اصلی مستعمرات کیفری، سلب کامل آزادی و استفاده از نیروی کار زندانیان به عنوان برده بود. پایون بارها این محدودیت‌های وحشتناک را تجربه می‌کند و زندگی او نمادی از مبارزه برای این حقوق سلب شده است.

♦ **حبس خودسرانه و بدون محاکمه عادلانه:** بسیاری از زندانیان، از جمله خود پایون، احساس می‌کردند که به ناحق محکوم شده‌اند یا فرصت دفاع واقعی از خود را نداشته‌اند. سیستم قضایی فرانسه، به جای تضمین عدالت، به دنبال حذف افراد از جامعه و تحویل آن‌ها به اردوگاه‌های مرگ بود (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۲۸۵). این امر نقض مستقیم ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (منع بازداشت، توقیف یا تبعید خودسرانه) و ماده ۱۰ (حق محاکمه عادلانه و علنی) آن است.

♦ **کار اجباری^۲ و وضعیت بردگی:** زندانیان مجبور به انجام کارهای طاقت‌فرسا در شرایط بسیار دشوار

1. Dub-Out

2. Travaux Forcés

بودند، بدون هیچ مزد یا امکان انتخابی (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۵۲۸). این کار، با هدف مجازات، بهره‌کشی اقتصادی و درهم شکستن جسم و روح، عملاً آن‌ها را به بردگانی دولتی تبدیل کرده بود (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۴۱۸). این وضعیت نقض آشکار ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر (منع بردگی و بندگی اجباری) و ماده ۲۳ (حق کار با شرایط منصفانه و مطلوب) آن است.

♦ **تبعید مضاعف:** یکی از بی‌رحمانه‌ترین قوانین مستعمرات کیفری این بود که پس از پایان محکومیت، زندانیان مجبور بودند به مدت برابر با محکومیت خود (و در برخی موارد برای همیشه) در گویان فرانسه بمانند. این امر که به «دوچندان کردن» محکومیت تعبیر می‌شد، حق بازگشت به وطن و آزادی تردد را به کلی از آن‌ها سلب می‌کرد. این نقض صریح ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

۳-۳. حق برخورداری از دادرسی عادلانه و اصل برائت

سیستم قضایی در مستعمرات کیفری، به جای تضمین عدالت، ابزاری برای تأیید تصمیمات از پیش گرفته شده و سرکوب بود. حقوق بنیادین متهمان به طور کامل نادیده گرفته می‌شد.

♦ **فساد و بی‌عدالتی در سیستم قضایی:** رمان نشان می‌دهد که دادگاه‌ها اغلب نمایشی بودند و شواهد و دفاعیات زندانیان نادیده گرفته می‌شد. تصمیمات براساس تعصب، منافع شخصی یا نیاز سیستم به «پر کردن» مستعمرات گرفته می‌شد، نه براساس حقیقت و قانون (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۱۷-۲۸). این، نمونه بارز نقض ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

♦ **عدم دسترسی به وکیل و امکان تجدیدنظر:** زندانیان از حق داشتن وکیل مستقل و کارآمد محروم بودند. وکلای تعیین شده اغلب بی‌تفاوت یا همدست سیستم بودند. امکان تجدیدنظر و اعتراض به احکام ناعادلانه نیز تقریباً وجود نداشت (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۲۷). این موارد نیز نقض ماده ۱۰ و ماده ۱۱ (اصل برائت) اعلامیه جهانی حقوق بشر محسوب می‌شوند.

۳-۴. حقوق مربوط به کرامت انسانی و منع تبعیض

هدف نهایی سیستم زندان، سلب کرامت انسانی^۲ و تبدیل زندانیان به موجوداتی مطیع و بی‌اراده بود. زندانیان از هویت و فردیت خود محروم می‌شدند.

♦ **سلب هویت و انسانیت:** زندانیان اغلب به جای نام، با شماره شناخته می‌شدند. لباس‌های یکسان، سر تراشیده، و برخورد تحقیرآمیز و غیرانسانی، همه با هدف از بین بردن حس فردیت، انسانیت و عزت نفس آن‌ها بود (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۲۱). این موارد نقض ماده ۱ و ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

1. Doublage

2. Human dignity

♦ **تحقیر و توهین مستمر:** نگهبانان و مسئولان زندان به طور مداوم با زندانیان با بی‌احترامی، توهین، خشونت کلامی و رفتارهای بی‌رحمانه رفتار می‌کردند تا آن‌ها را در وضعیت پایین‌دستی نگه دارند (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۳۲). این رفتارها مستقیماً با ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در تضاد است.

۴. مبارزه برای حقوق بشر و مقاومت در پایون

با وجود شرایط جهنمی و نقض گسترده حقوق بشر در مستعمرات کیفری، روح انسانی تسلیم نمی‌شود. رمان پایون به روشنی نشان می‌دهد که چگونه شخصیت اصلی و برخی دیگر از زندانیان، با هر وسیله‌ای که در توان دارند، برای بازپس‌گیری حقوق سلب‌شده خود و حفظ کرامت انسانی‌شان می‌جنگند. این مبارزه، نه تنها یک تلاش فیزیکی برای بقا، بلکه نبردی عمیق‌تر برای حفظ هویت و اراده است (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۵۲۱).

۴-۱. فرار به عنوان نماد مبارزه برای آزادی

در پایون، فرار بیش از یک عمل فیزیکی است؛ که به نمادی قدرتمند از مقاومت در برابر سرکوب و تجلی ذاتی‌ترین حق انسان، یعنی حق آزادی تبدیل می‌شود. پایون در طول رمان بارها و بارها تلاش می‌کند تا از زندان‌های به‌ظاهر غیرقابل نفوذ بگریزد، و هر یک از این تلاش‌ها، حتی آن‌هایی که به شکست می‌انجامند، بر عزم راسخ او برای بازپس‌گیری حق بنیادیش تأکید می‌کنند.

♦ **تفسیر فلسفی فرار به مثابه کنشی حقوق بشری:** از منظر حقوق بشر، حبس ناعادلانه و سیستماتیک، خود نقض حقوق است. بنابراین، هرگونه تلاش برای رهایی از چنین وضعیتی، یک کنش اخلاقی و حقوقی برای احقاق حق به‌شمار می‌رود. پایون به جای پذیرش سرنوشت تحمیل‌شده، با تمام وجود برای بازگرداندن آزادی خود می‌جنگد (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۵۰۴). این مبارزه برای آزادی، به طور مستقیم با ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ آن مرتبط است.

♦ **نماد شجاعت، امید و پشتکار:** هر فرار پایون نه تنها تلاشی برای آزادی فیزیکی، بلکه نمادی از روح تسلیم‌ناپذیر او و امید بی‌بدیلش به آینده است. در محیطی که امید بزرگ‌ترین دشمن سیستم بود، پایون با هر تلاشی برای فرار، بذر امید را در دل خود و دیگران می‌کاشت (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۵۰۶).

۴-۲. حفظ کرامت انسانی و همبستگی در شرایط غیرانسانی

در محیطی که سیستم تلاش می‌کرد تا انسانیت و کرامت افراد را از بین ببرد، بسیاری از زندانیان، از جمله پایون، با روش‌های مختلف در برابر این تلاش‌ها مقاومت می‌کردند. این مقاومت گاه در قالب اعمال همبستگی و گاه در حفظ هویت فردی تجلی می‌یافت.

♦ **همبستگی میان زندانیان:** با وجود محیط خشونت‌بار و بی‌اعتمادی حاکم، پایون نمونه‌هایی از

همبستگی و کمک متقابل میان زندانیان را به تصویر می‌کشد. این اعمال انسانی، هرچند کوچک، در برابر تلاش سیستم برای از بین بردن ارتباطات انسانی، بسیار مهم بودند. این همبستگی‌ها، در غیاب حقوق شناخته شده، به نوعی حقوق طبیعی برای حمایت متقابل و بقاء را به نمایش می‌گذارد که با روح اعلامیه جهانی حقوق بشر (به ویژه ماده ۱) همخوانی دارد (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۵۰۶).^۱

♦ **حفظ هویت و اراده:** سیستم مستعمرات کیفری تلاش می‌کرد تا با سلب نام، لباس‌های یکسان، و تحقیرهای دائمی، هویت فردی زندانیان را از بین ببرد. اما پایپون با حفظ نام، یادآوری خاطرات، و تمرینات ذهنی، سعی در حفظ سلامت عقل و هویت خود داشت. این تلاش برای حفظ هویت، تجلی حق به «شخصیت حقوقی» (ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر) و حق به کرامت انسانی است.

۴-۳. انتقاد از سیستم

رمان پایپون، چه از طریق روایت مستقیم پایپون و چه از طریق دیالوگ‌ها و مشاهدات او، به طور مداوم سیستم کیفری فرانسه را به چالش می‌کشد و بی‌رحمی و بی‌عدالتی آن را افشاء می‌کند.

♦ **نقد صریح قوانین و عملکردها:** پایپون نه تنها رنج می‌برد، بلکه هوشمندانه به تحلیل سیستم می‌پردازد و ضعف‌ها، فساد، و ناعادلانه بودن آن را بیان می‌کند (شاریر، ۱۳۴۹، ص ۵۲۴).

♦ **تصویرسازی از فساد و سوءاستفاده از قدرت:** رمان پر از مثال‌هایی از فساد نگهبانان، سوءاستفاده از قدرت، و تبانی میان مسئولین و زندانیان قدرتمند است. این فساد، به خودی خود، نشان‌دهنده فقدان حاکمیت قانون و نقض حقوق بنیادین است.

۵. پایپون در پرتو حقوق بشر امروز

رمان پایپون نه تنها سندی تاریخی از بی‌رحمی یک سیستم کیفری گذشته است، بلکه آینه‌ای است که نقض حقوق بشر را از منظر تجربه زیسته یک فرد به تصویر می‌کشد. با گذشت زمان و تدوین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، بسیاری از رفتارهای توصیف شده در رمان اکنون به صراحت ممنوع و محکوم شده‌اند. این بخش به مقایسه وضعیت گذشته با استانداردهای فعلی حقوق بشر می‌پردازد و درس‌هایی را که می‌توان از پایپون برای محافظت از حقوق بشر در زمان حال آموخت، برجسته می‌کند. همه انتقاداتی که به اثر هانری شاریر وارد شد، همه ابهامات در جزئیات، شاید بخشی بر تندیس واقعیت باشد، اما فقط یک بخش است. هیچ کس نمی‌تواند فرار بزرگ او را برای آزادی کتمان کند. آبر کامو در یک سخنرانی

۱. «تنها من هستم که یک چشم کاملاً سالم و باز است. همه دوستانم چشمانی پر از چرک دارند که بر اثر چرک، چشم‌هایشان دائماً بسته است. برای اینکه ببینیم، باید چشم‌ها را گاه‌گاه شست، اگرچه این کار باعث درد و ناراحتی شدید می‌شود. آفتاب شدیدی روی سوختگی‌های من می‌تابد که واقعاً غیرقابل مقاومت است. دیپلانک که نیمه دیوانه شده است، از به آب انداختن خودش حرف می‌زند...» (همان، ص ۵۰۶).

گفته بود، ترسوها تمایل به بردگی را جزئی از فضیلت می‌دانند. «فهم و درک، در جست‌وجوی یافتن توجیهی است برای ترس و بدون هیچ زحمتی آن را می‌یابد، چراکه بزدلی همیشه فلسفه‌ای دارد» (شجاعی، ۱۴۰۱).

۵-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و سایر اسناد مرتبط

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسید، مبنای بسیاری از قوانین و معاهدات حقوق بشری مدرن را تشکیل می‌دهد. مقایسه مفاد این اعلامیه با وقایع پایون، عمق نقض حقوق در مستعمرات کیفری فرانسه را آشکار می‌سازد.

♦ نقض مواد کلیدی اعلامیه جهانی حقوق بشر:

- ماده ۳ (حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی): زندگی زندانیان در گویان دائماً در معرض تهدید بود؛ از بیماری‌ها و سوءتغذیه گرفته تا خشونت بی‌امان. آزادی و امنیت شخصی آن‌ها نیز به طور کامل سلب شده بود.

- ماده ۵ (منع شکنجه و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز): سلول‌های انفرادی، گرسنگی دادن، کار اجباری، ضرب و شتم و تحقیرهای مستمر، همگی مصداق بارز شکنجه‌های فیزیکی و روانی بودند.

- ماده ۹ (منع بازداشت، توقیف یا تبعید خودسرانه): پایون به اتهام قتل که مدعی بی‌گناهی خود بود، دستگیر و بدون محاکمه عادلانه به گویان تبعید شد.

- ماده ۱۰ (حق محاکمه عادلانه و علنی): سیستم قضایی توصیف شده در رمان فاقد هرگونه شفافیت، استقلال یا بی‌طرفی بود.

- ماده ۱۱ (اصل برائت): در سیستم مستعمرات کیفری، فرض بر گناهکار بودن فرد بود. اما کسی پژواک صدای شاریر یا همان پایون را برای بی‌گناهی‌اش نشنید.

- ماده ۱۳ (حق آزادی تردد و انتخاب محل اقامت و حق ترک هر کشور و بازگشت به کشور خود): قانون «دوبلاج» (تبعید مضاعف) این حق را نقض می‌کرد.

- ماده ۲۵ (حق سطح زندگی کافی برای سلامتی و رفاه): فقدان غذای کافی، بهداشت مناسب و مراقبت‌های درمانی، این حق را نقض می‌کرد.

♦ سایر اسناد مرتبط: با اشاره به کنوانسیون منع شکنجه و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نحوه تطابق آن‌ها با رمان می‌توان به اهمیت کرامت انسانی در نحوه برخورد با مجرمان پی برد. انسان بر انسان دیگر ولایت ندارد. این یک قرارداد اجتماعی است، اما نباید کرامت وی را زیر پا گذاشت.

۲-۵. تغییرات در حقوق زندانیان از آن زمان تاکنون

از زمان روایت پاپیون تاکنون، تحولات چشمگیری در قوانین و استانداردهای مربوط به حقوق زندانیان رخ داده است. این تغییرات حاصل تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی، فعالان حقوق بشر و دولت‌ها برای اصلاح سیستم‌های کیفری بوده‌اند.

♦ **توسعه استانداردهای بین‌المللی:** امروزه، اسنادی مانند قوانین حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (معروف به قوانین ماندلا)، چارچوبی جامع برای تضمین حقوق و کرامت زندانیان ارائه می‌دهند. باید اذعان داشت که قوانین ماندلا (یا قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان) مجموعه‌ای از قواعد و ضوابط است که برای رفتار انسانی با زندانیان در سراسر جهان تدوین شده است. این قوانین توسط سازمان ملل متحد، با الهام از تجربیات نلسون ماندلا و سایر فعالان حقوق بشر، تنظیم شده‌اند و به عنوان یک راهنما برای نظام‌های زندان در سراسر جهان عمل می‌کنند (سبحانی، ۱۴۰۳).

♦ **نقش سازمان‌های حقوق بشری:** سازمان‌هایی مانند عفو بین‌الملل^۱ و دیده‌بان حقوق بشر^۲ نقش حیاتی در نظارت بر وضعیت زندان‌ها در سراسر جهان، افشای نقض حقوق بشر و هواداری^۳ برای اصلاحات قضایی ایفا می‌کنند. نلسون ماندلا می‌گوید «تا وقتی وارد زندان‌های یک کشور نشده باشید، آن کشور را نخواهید شناخت؛ یک کشور را نه با رفتارش با عالی‌ترین مقام شهروندان که با زندانیان باید قضاوت کرد» (سبحانی، ۱۴۰۳).

۳-۵. درس‌های ماندگار پاپیون برای حقوق بشر امروز

پاپیون فراتر از یک روایت تاریخی صرف است؛ روایت واقعی از یک یادآوری قدرتمند و هشدار دهنده است که پیامدهای وحشتناک نقض حقوق بشر را به تصویر می‌کشد و درس‌های مهمی برای دنیای امروز دارد:

♦ **لزوم هوشیاری دائمی در برابر قدرت خودسرانه:** (اهمیت تفکیک قوا و محدودیت قدرت دولت).
 اهمّ نقض حقوق بشر، اقدامات خودسرانه است؛ باید با تحدید و محدودیت بر آن، کنترل و نظارت گردد.
 ♦ **اهمیت شفافیت و نظارت بر سیستم‌های قضایی و کیفری:** (نیاز به دسترسی ناظران مستقل به زندان‌ها). این امر می‌تواند به کیفیت استاندارد سیستم قضا بیانجامد.

♦ **نقش داستان‌های شخصی در افزایش آگاهی و همدلی:** (چگونه روایت‌های فردی می‌توانند برای تغییر، الهام‌بخش باشند). به نظر می‌رسد تاثیر ادبیات شگرف است. ادبیات داستانی در طی قرن‌ها

1. Amnesty International
 2. Human Rights Watch
 3. Advocacy

توانسته وقایع و حقایق را حتی از تاریخ و روایت‌های آن بیشتر و ثمربخش‌تر به نمایش گذارد. آوازه مایپون، هنری شاریر را به عنوان انسان در بند، به آزاده‌ای در تمام هستی بدل کرد که تا به امروز هم آوازه آزادی و آزادی‌خواهی وی نسل به نسل به گوش می‌رسد.

♦ **اهمیت اصلاحات زندان و تأکید بر بازپروری به جای صرفاً تنبیه:** (نیاز به سیستم‌های کیفی مدرن با هدف اصلاح و بازگشت به جامعه). امروزه اهمیت بازگشت مجرم به جامعه و بازپروری وی دارای اهمیت است. ایجاد پرونده شخصیت برای مجرمان و اقدامات تأمینی تربیتی می‌تواند به بهبود مستمر امور زندانبان منجر شود.

♦ **ارزش ابدی آزادی و کرامت انسانی:** (پیام جهانی رمان درباره حقوق ذاتی و غیرقابل سلب به گوش رسید). ارزش انسان به انسان بودن وی، ناشی از کرامت ذاتی اوست. این کرامت و اصل بنیادین کرامت انسانی است که حقوق متعلقه به طبیعت وی را جاری و ساری ساخته و حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین وی را جلوه‌گر می‌سازد که رعایت و تحقق آیین حقوق را به دولت مشروع و قانونی منتسب می‌داند. باشد که حقوق بشر و رعایت آن بتواند مشروعیت هر چه بیشتر دولت‌ها را در پی داشته باشد و خودسرانگی و اعمال خودسرانه را کاهش دهد.

۶. نتیجه‌گیری

رمان «پاپیون»^۱ اثر هنری شاریر، در قالب یک زندگینامه،^۲ بیش از یک داستان ماجراجویانه هیجان‌انگیز است؛ این اثر سندی نکان‌دهنده از نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در مستعمرات کیفی فرانسه در اوایل قرن بیستم به‌شمار می‌رود. تجربیات پاپیون و هم‌بندان‌ش در گویان فرانسه، تصویر روشنی از سلب کرامت انسانی، شکنجه‌های بی‌رحمانه، کار اجباری و محرومیت مطلق از هرگونه دادرسی عادلانه را ارائه می‌دهد. از حق حیات و امنیت شخصی گرفته تا حق آزادی و کرامت ذاتی، تمامی اصول بنیادی که امروزه در اسنادی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده‌اند، در این سیستم به‌طور فاحشی نادیده گرفته می‌شدند. با این حال، «پاپیون» تنها روایتگر ظلم نیست؛ بلکه داستان مقاومت بی‌وقفه روح انسان است. مبارزه بی‌امان پاپیون برای آزادی، تلاش او برای حفظ هویت و سلامت روانی در سلول‌های انفرادی، و همبستگی‌هایی که میان زندانبان شکل می‌گیرد، همگی نمادی از اراده تسلیم‌ناپذیر انسان در برابر ستم هستند. فرارهای مکرر او، هرچند با سختی‌ها و شکست‌های فراوانی همراه بودند، اما هر یک فریادی علیه بی‌عدالتی و تأکید بر حق بنیادی آزادی بودند. حتی در تاریک‌ترین و ناامیدکننده‌ترین شرایط نیز، امید و اراده برای بقا و حفظ کرامت انسانی می‌تواند شعله‌ور بماند. در پرتو

1. Papillon

2. Autobiography

حقوق بشر امروز، پایون اهمیتی دوچندان می‌یابد. این رمان نه تنها به عنوان یک سند تاریخی از گذشته‌ای تاریک عمل می‌کند، بلکه به عنوان یک هشدار دائمی برای حال و آینده نیز کارکرد دارد. درس‌های پایون به ما می‌آموزد که قدرت نامحدود و غیرپاسخگو چگونه می‌تواند به ابزاری برای سرکوب تبدیل شود و تا چه اندازه شفافیت، نظارت مستقل و حاکمیت قانون برای جلوگیری از نقض حقوق بشر ضروری هستند. این داستان، یادآوری می‌کند که حقوق بشر ذاتی و غیرقابل سلب هستند و نباید هرگز آن‌ها را مسلم فرض کرد. در پایان، پایون فراتر از یک داستان ماجراجویانه، یک اثر ادبی عمیقاً انسانی است که بر ارزش بی‌بهای آزادی، کرامت و حقوق بنیادی بشر تأکید می‌کند. این رمان ما را به تأمل وامی‌دارد که چگونه می‌توانیم در دنیای امروز، از تکرار چنین فجایعی جلوگیری کنیم و همواره از حقوق و کرامت تمام انسان‌ها پاسداری نماییم.



منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری. تهران: سمت.
- اولیایی نیا، مازیار (۱۳۸۴). فلسفه مدرنیسم و مدرنیسم فلسفی. عصر پنجم، شماره ۹۱-۹۲.
- اولیایی نیا، هلن (۱۳۷۹). داستان کوتاه در آینه نقد. اصفهان: فردا.
- اولیایی نیا، هلن (۱۳۸۹). مدرنیسم و پسا مدرنیسم در آثار داستان کوتاه نویسان معاصر ایران. کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۴.
- برونوفسکی، ج.؛ مازلیش، ب. (۱۴۰۳). سنت روشنفکری در غرب (از لئوناردو تا هگل). ترجمه لیلا سازگار. انتشارات آگاه.
- سبحانی، ژینوس (۱۴۰۳). قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (قواعد نلسون ماندلا). انتشارات روزانه.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۲). فرهنگ و امپریالیسم. ترجمه اکبر افسری. تهران: توس.
- شاریر، هانزی (۱۳۴۹). پایون. ترجمه پرویز نقیعی. انتشارات امیرکبیر.
- شجاعی، محمدمهدی (۱۴۰۱). در دفاع از فهم: سخنرانی‌های آلبر کامو. ترجمه محمدمهدی شجاعی. تهران: نشر چشمه.
- نجابتی، مهدی (۱۳۹۱). پلیس علمی (کشف علمی جرایم). تهران: انتشارات سمت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی